

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره نهم - آذر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۵

بررسی تشبیه در قصاید زلالی خوانساری

(ص ۲۶۰-۲۴۱)

یدالله سرمست^۲، مرتضی حاجی مزدارانی^۳ (نویسنده مسئول)،

حسین یزدانی^۴

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

چکیده

یکی از مهمترین ترفندها و تمهیدات هنری کلام، استفاده از شیوه‌های مختلف ارائه پیامی واحد در جهت اعجاب مخاطب است که تحلیل و بررسی این شیوه‌ها علاوه بر اینکه زیباییهای نهفته شعر بهتر آشکار میشود، سبب می‌گردد تا مخاطبان و کاربران زبان، با ذهن و دنیای فکری و عواطف شاعر بیشتر مانوس شوند و یکی از راههای شناخت دقیق یک شاعر و بررسی میزان موفقیت وی در عرصه شاعری، توجه به میزان بهره‌گیری وی از قوه تخیل و تصویرسازی میباشد، چرا که این مهم، ملاک تمییز یک شعر تاثیرگذار از نظم معمولی است، مقاله حاضر به بررسی تشبیه و طبقه بندی انواع ساختار آن در قصاید زلالی خوانساری می‌پردازد تا میزان موفقیت و هنرمندی شاعر خوش قریحه در بکارگیری انواع تشبیه، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. تشبیه علاوه بر اینکه از موضوعات محوری و مهم حوزه بلاغت و بیان محسوب میشود بررسی و تحلیل ساختار متنوع و متعدد و عناصر تشکیل دهنده آنچه از نظر شکل و چه از جهت محتوا میتواند مبین و معرف سبک و زبان خاص یک شاعر باشد.

کلمات کلیدی: سبک، تشبیه، زلالی خوانساری، قصاید

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (sarmast41@gmail.com)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (mhaji1343@pnu.ac.ir)

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (h.yazdani@pnu.ac.ir)

Investigating the simile in Zoolali Khansari's

Yadollah Sarmast,^۱ Morteza Mazdaraei,^۲ Hossein Yazdani^۳

Abstract

The use of figures of speech is the distinctive characteristic of the poetic expression as it reveals and fabricates the aesthetic vision of the artist and creates a sense of wonder in the reader through defamiliarization. The study of the figures of speech enables the readers to get familiar with the artistic vision of life as depicted in a poet's works. It is through the use of figures of speech that a poet creates a unique vision and image of life in his/her poetry; this poetic recreation of the world sets a poet apart from mere versifiers.

The present study focuses on the use and the structure of similes in Zolalili Khonsari's Odes to bring this unique feature of his poetry into spotlight. It must be mentioned here that the use of similes as a major topic of prosody fabricates the idiosyncratic features of a poet's style.

Keywords: Style, Simile, Zolalili Khonsari, Odes

^۱ Student of Ph.D. Candidate of Persian Language and Literature, payam nour university, Tehran, Iran (sarmast41@gmail.com)

^۲ Assistant Professor of Persian Language and Literature, payam nour university, Tehran, Iran (mhaji1343@pnu.ac.ir)

^۳ Associate Professor of Persian Language and Literature, payam nour university, Tehran, Iran (h.yazdani@pnu.ac.ir)

مقدمه :

مولانا حکیم زلالی خوانساری از شاعران اواخر سدهٔ دهم و اوایل سدهٔ یازدهم هجری است که از تربیت شدگان حکیم و دانشمند مشهور میرمحمد باقر داماد و از ممدوحان وی و شاه عباس و وزیرش میرزا حبیب الله صدر است و سال مرگش را سال ۱۰۲۴ نوشته اند. تاریخ ادبیات در ایران، صفا ج ۵ ص ۶۷)

زالالی از جمله شاعرانی است که به زادگاه خود علاقه فراوان داشته است و این موضوع در اشعار او بویژه در وصف خوانسار مشهود است. اما در کنار مدح شهر به قدح همشهریانش میپردازد، کینه‌ای که ظاهراً ریشه در حسادت حریفان و شماتت ایشان در حق زلالی بعنوان شاعری فاضل و عالم دارد. زلالی شاعری قصیده پرداز، غزلسرا و مثنوی سرا بود اما بیشترین شهرتش، بواسطه مثنویهای اوست که تذکره نویسان از آن با عناوین «هفت گنج» «سبعه زلالی» «هفت آشوب» و هفت سیاره یاد کرده اند. زلالی این مجموعه هفت گانه را به تشویق میرداماد، برای جذب حمایت شاه عباس تقدیم او نموده است. زلالی همچنین برخی از مثنویهایش را مثل سلیمان نامه بنام میرداماد کرده است و نام بعضی دیگر را همانند میخانه به پیشنهاد میرداماد برگزیده است.

خود او هم مجموعه هفت مثنوی خود را گاهی «سبعه سیاره» گاه «سبعه زلالی» گاه «هفت سیاره» میخواند چنانکه در مثنوی محمود و ایاز گفته :

سفر کردم به زیر بار اشعار فلک با سببعه سیه سیه سر بار
(محمود و ایاز بیت ۴۸۷)

زالالی بسیار متدین و مقید به شرع است. دل‌بستگی و احترام او به پیشوایان دین بویژه حضرت رسول اکرم (ص) و شاه ولایت دو عالم؛ از ستایش‌هایی که در آغاز داستان آمده کاملاً بیانگر این ادعاست او چهارده قصیده در ستایش چهارده معصوم سروده است. (زندگی شاه عباس اول، فلسفی ج ۲ ص ۶۲۸) با آن که در دوران شاه عباس نوشیدن شراب و استعمال مخدرات رواج داشت و شاعران آزادانه در سروده‌های خود این مسائل را مطرح میکردند اما اینگونه مضامین در اشعار زلالی مطرح نشده است. (همان ص ۶۵۲) شاید نزدیکی او به میر محمد باقر داماد میتواند دلیل اعتقاد او باشد تذکره نویسان او را به غایت درویش طبیعت، خوش فهم و نیکو منظر دانسته‌اند. (عرفات العاشقین، اوحدی بلیانی ص ۵۲۱)

زالالی از شاعرانی چون نظامی، مولوی، امیر خسرو دهلوی، امیر علیشیرنوبادی و عبدالرحمان جامی در سرودن اشعار خود پیروی کرده است. ذبیح الله صفا دربارهٔ زلالی مینویسد: «زالالی خوانساری شاعری نوآور بود و روشی بتمام معنی مخصوص در نحوه بیان افکارش داشت و از این راه، ترکیبهای تازه بوجود می‌آورد که گاه نامفهوم و نیازمند تفسیر و

توجیه است مثل « مرغ روز پنهان » یعنی مرغی که بهنگام روز بیرون نمی‌آید و پنهان است. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵ ص ۹۷۱)

در تذکره شمع انجمن زلالی چنین معرفی شده است :

« زلالی خوانساری طبعش از مثنوی طوفان میکند و نیستان کلکش در این بحر، لالی شاهوار می‌افکند سبعمه سیاره او زمین سخن را ترصیع کاری آسمان بخشیده و صد بندان خیال را در دایره حیرت کشیده. » (تذکره شعرای خوانسار، بخشی، ص ۶۷)

مولف تذکره نتایج افکار زلالی را شاعری عالی مقام، پخته گوی و خوش کلام میخواند و چنین مینویسد « اما برخی نیز معتقد به نازک اندیشی او شده، گفته‌اند: زلالی افکارش اکثر دردآمیز است، اما آنچه صاف افتاده، کوثر را در خوی خجلت نشانیده » (ریاض الشعراء، واله داغستانی ج ۲ ص ۳۸۴)

اهمیت و ضرورت تحقیق :

شناسایی عوامل زیبایی تشبیه در اشعار زلالی به شیوه نقد بلاغی کاری ضروری است زیرا از این طریق میتوان به کشف شگردهای پنهان و راز و رمزهای سخن او دست یافت. هدف این مقاله بررسی و تحلیل تشبیهات به کار رفته در دیوان زلالی و نشان دادن وضعیت کمی و انواع آنهاست و در نتیجه پاسخ دادن به پرسش‌های ذیل:

۱. آیا زلالی در اشعار خود از مفاهیم انتزاعی بهره برده است؟
۲. تشبیهات مفرد و مرکب چه جایگاهی در دیوان زلالی دارند؟
۳. از لحاظ ساختار شکلی تشبیهات گرایش شاعر به کدام نوع است؟

شیوه پژوهش :

شیوه این پژوهش در ابتدا، مطالعه دقیق اشعار زلالی، سپس استخراج همه تشبیهات قصاید شاعر بر اساس نسخه موجود، سپس با بررسی نظری صور خیال، به دسته بندی فیشهای مربوط پرداخته و تقسیم بندی منظمی از لحاظ موضوعی، ساختار شکلی تشبیهات، حسی، عقلی و مفرد و مرکب و انتزاعی بودن طرفین تشبیه، وجه شبه و ادات تشبیه بعمل آورده است. سپس نمونه‌هایی برجسته، از دیوان اشعار شاعر انتخاب شده بعنوان شاهد مثال بکار رفته است در انتها نیز نتایج بدست آمده بصورت جدول ارائه میشود.

پیشینه پژوهش :

در دهه‌های اخیر پژوهشهای زیادی در تحلیل تشبیه در آثار ادبی بزرگان ادبیات کلاسیک و معاصر بوسیله پژوهشگران عرصه ادب فارسی صورت گرفته است ولی با بررسی‌های انجام شده چنین برداشت میشود تا به حال هیچ گونه تحقیق و پژوهشی در دیوان زلالی خوانساری صورت نگرفته و فقط مقاله‌ای با عنوان حکیم زلالی خوانساری در

نشریه دانشگاه شهید باهنر کرمان چاپ شده که در آن مقاله به معرفی اجمالی شاعر پرداخته شده است .

تشبیه در اشعار زلالی خوانساری :

تشبیه از نخستین ابیات برجای مانده در ادب فارسی تا عصر حاضر پیوسته از عناصر زیبایی بخش شعر و نثر محسوب میشود. تشبیه بنیادینترین صورخیال شاعرانه است، بگونه‌ای که هسته مرکزی تصاویر دیگر مانند استعاره، کنایه، و تمثیل بر آن استوار است افکار هر شاعر و سخنوری را میتوان در لا به لای تشبیهات او یافت زیرا زاویه دید و بینش شاعر را به جهان و طبیعت نشان میدهد در کتابهای بلاغی تعاریف گوناگونی از تشبیه شده است: «تشبیه آن است که چیزی را به چیزی مانند کنند بصورت و به هیات یا چیزی را بر چیزی مانند کنند به صفتی از صفتها چون حرکت و سکون و لون و رنگ و شتاب و درنگ» (ترجمان البلاغه، رادویانی: ص ۴۴) در این باره ارسطو در کتاب فن شعر گفته است «مشاهده تصاویری که شبیه اصل باشند موجب خوشایندی میشود زیرا ما از مشاهده این تصاویر اطلاع و معرفت به احوال اصل آن صورتها پیدا میکنیم و آنچه را در آن صورتها بدان دلالت هست درمییابیم مثل اینکه گوییم این تصویر فلانست و اگر خود موضوع تصویر را پیش از آن هم هرگز ندیده باشیم باز آن صورت نه از آن جهت که موضوع خود را تقلید میکند، بلکه از آن لحاظ که در آن کمال صنعت بکار رفته و یا از آن جهت که دارای رنگ دلپذیر است و یا از جهاتی نظیر و مشابه اینها خوشایندی خاطر ما میشود.» (فن شعر، ارسطو، ۲۶)

میتوان گفت که «هدف اصلی تشبیه، تبیین و آشکار کردن اندیشه‌ای است که در ذهن پدیدار میشود اما به دلیل محدودیت زبان گوینده قادر نیست بخوبی آن را روشن سازد و با زبان مرسوم بیان کند بنابراین به مدد عنصر خیال دست به دامن تشبیه میشود.» (نگاهی تحلیلی به علم بیان، آقا حسینی و همکاران: ص ۷۴)

با دقت در اشعار زلالی میتوان زیباییهای شعرش را دریافت نیز در نظر باید داشت که شاعر در دوره‌ای زندگی میکرد که طرز هندی اصفهانی رایج بود و شاعران برای یافتن مضمون و خیالات نازک و دقیق و اشعار دور از ذهن بر یکدیگر پیشی میجستند و زلالی شاعریست خلاق دارای ذهنی وقاد و قریحه‌ای خوش در بیان افکار و اندیشه های خود اسلوب و روش خاص دارد و بسیاری از ترکیباتی که در اشعارش بکار برده جدید هستند مانند: «گل آزمون - خون سخن - قدح خانه - جنون آباد و هندوی بنفشه و ...»

چو جامش گل آزمون گشته است	دماغ فلک سرنگون گشته است
د هانم چو خورشید شد تیغ زن	جهان را گرفته است خون سخن

(دیوان ۲۶۵)

زلالی طبیعتاً شاعر است و به شیوه ای طبیعی هم شعر گفته است در این زمینه چنان تبحری دارد که گاه اشعارش از چنان معانی بلندی برخوردار است که الهامات غیبی را به ذهن می‌آورد نظیر:

در آن مجلس که از دم نور میزد دم پهلو به کوه طور میزد
(محمود و ایاز بیت ۶۹۰)

ترفندهای بدیعی و زیباییهایی نیز در سخن زلالی، زیبا و شگفت‌انگیز است و به کمک این ترفندها توانسته است با مهارت و هنرمندی تمام، زبان را به شعر و ادب مبدل سازد و ویژگیهای سبکی و کاربرد مضامین نغز، شعر زلالی خوانساری را به مرز سبک هندی نزدیک کرده است بطوری که او را در زمان خود میتوان سردمدار این سبک دانست یان ریپکا در تاریخ ادبیات خود درباره وی و ارتباط شعرش با سبک هندی چنین آورده: «در گسترش بعدی سبک هندی بسیاری از شاعران مثنویهایی تدوین کرده‌اند این شعر بطور کلی در آن روزگار در حال پیشرفت بوده که گاه در آن برای پروراندن موضوعی رمانتیک از چنان ابداعاتی بهره می‌بردند که در دوران کلاسیک سابقه نداشت. عمده‌ترین ویژگی این آثار سمبولیسم آنهاست، در این رابطه مولانا حکیم زلالی خوانساری در گذشته به سال (۱۶۱۵ م) از همه برتر بشمار می‌آمد او «ملک الشعرا» عباس یکم بود این شاعر مولف مثنوی «سبعه سیاره» و شهرت وی بیشتر مدیون یکی از آنها بنام «محمود وایاز» است که ۲۲ سال پایان زندگی خود را صرف آن کرد این اثر، مثنوی فخرالدین علی صفی (درگذشت ۱۵۳۲ میلادی) پسر حسین واعظ معروف و همچنین آثار تا زمان صائب و پس از او را تحت الشعاع قرار داد. (تاریخ ادبیات ایران، یان ریپکا، ص ۴۳۷)

از لحاظ قدرت و زیبایی، قصاید زلالی به پای مثنویاتش نمی‌رسد اما بعضاً از نوع خوب قصاید سبک هندی به شمار می‌رود بخصوص که گاه از قدما، نظیر انوری (قصیده ۲۷)، خاقانی (قصیده ۲ و ۵۶)، کمال اسماعیل (قصیده ۱۶ و ۳۳) و کاتبی ترشیزی (قصیده ۲۴) تقلید کرده و نیز بعضاً تحت تاثیر قصاید مشهور معاصرینش نظیر عرفی (قصیده ۱۵) بوده است. برخی از قصاید نیز دارای حسن مطلع‌ها و تغزل‌های زیبایی است (نظیر قصیده ۱۰ و ۱۵ و ۴۰ و ۶۲) اما آنچه به قصاید او ضربه زده بجز فضای انتزاعی که خاص قصیده است مدح‌های کلیشه‌ای او در باب امامان است.

رکن اساسی قوت شعر زلالی که باعث تمایز وی از اقران و هم‌روزگاران‌ش شده، استفاده هوشیارانه از تشبیه است تشبیهی که علاوه بر غرابت، ایجاز و وهم‌انگیزی‌اش بر اساس استعاره یا بهتر بگوییم «تشخیص» بنا شده است و این یکی از رموز شاعری اوست اگرچه زلالی نیز همانند هم‌طرازان خویش، اسیر تصویر و فضاهای خیالین انتزاعی است، بخصوص در قصیده‌هایش و پاره‌ای از دیباچه‌های منظوم مثنویاتش که مایه عقلی و انتزاعی دارند.

اما علاقه او به طبیعت بیرونی و زمینی‌اش که ریشه در روان شاعر دارد و نیز فضای غنایی و روایی داستان، او را گاه در آفرینش فضاهای عینی شاعرانه - هر چند وهمی و استعاری - بسیار موفق جلوه داده است. در حقیقت با آنکه تصویرگرایی او پاره‌ای محاسن مسلم روایت را در کار او بلا استفاده کرده است اما باید گفت که همین جوهره روایی که شاعر را مجبور به ارائه حقایق بیرونی و طبیعی می‌کند، خیال سرکش و ناآرام وی را تا اندازه‌ای مهار کرده و به تصاویر او عینیت قابل ملاحظه‌ای می‌بخشد در حوزه تشبیه درصد بیشتری از انواع تشبیهات هر دو سو حسی بخود اختصاص می‌دهد اما بواسطه بدیع بودن و گاه غرابت وجه شبه و ربط دو طرف تشبیه و نیز اجمال و ایجازی که در آن است، شعر زلالی را در شمار غامض‌ترین اشعار این دوره در آورده است.

۱- ساختار معنوی تشبیهات زلالی

تقسیم تشبیه بر اساس عقلی یا حسی بودن طرفین

حواس حضور اساسی و تاثیرگذاری در شعر دارند و در تصویرسازی رکن اصلی بشمار می‌روند « تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی شاعر زندگی می‌بخشد بعبارت دیگر سبب می‌شود تا خواننده احساس کند چیزی را بگونه‌ای متمایز می‌بیند، لمس می‌کند، می‌بوید، یا می‌شنود.» (حکایت شعر، اسکلتن: ص ۱۰۵) مقصود از حسی و محسوس بودن آنست که با یکی از حواس پنجگانه قابل حس باشد و آن یا از دیدنیها، پسودنیها و یا از شنیدنیهاست. یعنی مشبه یا مشبه به، یکی از این محسوسات باشد مقصود از عقلی یا معقول بودن آنست که از امور و کیفیات نفسانی باشد و با حواس پنج گانه، قابل ادراک نباشد مانند جان، عقل، جوانمردی، عشق (معانی و بیان، علوی مقدم ۹۴ و ۹۵)

۱-۱ مشبه و مشبه به هر دو حسی

تشبیهات حسی به حسی که «لازمه ایجاد آنها، فعالیت ذهنی میان دو شی ظاهرایی ارتباط است.» (رمز و داستانهای رمزی، پورنامداران ص ۸۹) در این نوع تشبیه، مشبه و مشبه به، هر دو با یکی از حواس ظاهر قابل درک و دریافتند در واقع در تصویر حسی محصول یک تاثیر حسی از شی خارجی است که بر ذهن میتابد در ذهن مثل آینه آن را با کلمات منعکس می‌کند. (بلاغت تصویر، فتوحی، ص ۱۰۰)

هدف از این تشبیه آن است که نقش مشبه، بوسیله مشبه به که در وجه شبه مورد نظر شاعر اوضح و اعرف از مشبه است، به خواننده یا مخاطب شناسانده شود.

شد مطلعی بلند چو جعد بلند یار تا از خط شکسته شد روزگار پای

(۳۸/۴۱۹)

بی شـ عرم روان تا بزم شـ عرا (۶۹/۸۲۰)	به ره چون برگ گل، گوش خلائق
به هر شکنجش صد روزگار لرزد و افتد (۱۲۴/۱۳۹۱)	به پای، زلفت مانند مار لرزد و افتد
سیاه پوشم چون مردمان مردمک چشم (۱۳۷/۱۵۲۳)	به ماتم هنر و تیره روزگاری طالع
نمک ریختن اشک و نمکدان، چشم است (۱۲۳/۱۳۷۹)	بر سر خوان جراحی، به نمک پاشیها

همچنین بیت‌های (۴/۱۲) و (۷/۴۶) و (۱۴/۱۲۹) و (۱۹/۲۰۰) و (۳۱/۳۴۵) و (۳۳/۳۶۵) و (۱۲۲/۱۳۷۳) و (۱۲۵/۱۴۰۰) و (۵۵/۶۶۶) و (۸۵/۱۰۰۴) و (۱۵۶/۱۷۸۰) و دارای تشبیهات حسی به حسی هستند.

۱-۲ مشبه عقلی و مشبه به حسی

تشبیه عقلی به حسی رایجترین نوع تشبیه است. در واقع غرض از این نوع تشبیه، توضیح حال مشبه است و اگر مشبه به محسوس باشد، مشبه معقول بخوبی در ذهن مجسم میشود. (معانی و بیان، شمیسا، ص ۳۷) در این نوع تشبیه که مشبه معقول و مشبه به محسوس است، در حقیقت یکی از جنبه‌های هنری تشبیه که شاید بزرگترین و برجسته‌ترین جنبه باشد همین پیوند دادن معقولات به محسوسات است. «تصویر آنگاه جنبه هنری پیدا میکند که امر معقولی را به محسوس پیوند دهد.» (کلیات زیبا شناسی، کرویچه، ص ۷۹)

در این باره در صور خیال میخوانیم: «که از همه مهمتر جنبه تخیلی تصویری تشبیه است که از رهگذر تشبیه میتوان بسیاری از امور متباین و متضاد را که از نظر حسی و تجربه عقلی دور از یکدیگر قرار دارند در یک موضوع جمع کرد در واقع تشبیه باعث مجسم کردن و مثل ساختن چیزی است که خود غایب است و بطور عادی ظهور ندارند.» (شفیعی کدکنی، صورخیال، ص ۷۲) و از این طریق که بسیاری از امور انتزاعی را با شباهت ساختن به امور حسی، ملموس جلوه میدهند، همچنین « تشبیه هسته اولیه و مرکزی خیالهای شاعرانه است، صورتهای گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه مایه گرفته از همان شباهت‌یست که نیروی تخیل شاعر میان اشیا کشف میکند.» (پورنامداریان، سفر در مه، ۱۸۱)

مست ایمانم از قرابه عشق	شیشه چرخ از رهم بردار (۱۴۱/۱۵۶۸)
گلزار وجودم ز گل داغ ندامت	چون کاسه افلاک سرا پا می و جوش است (۱۳۳/۱۴۸۶)
از دام آز رسته ام و قید آرزو	تا منصب قناعت روزی به من رسد) (۱۲۹/۱۴۴۵)
در آستین نتوان بیش از این چراغ شگفت	چو شاخ گل شده داغم به دست بازاری (۱۴۶/۱۶۵۰)
دل من از بر من در کنار باغ مزارت	چو غنچه از علم شاخسار لرزد و افند (۱۲۶/۱۴۵)

بیت‌های (۸۴/۹۸۲) و (۵۰/۶۰۹) و (۴۶/۵۱۷) و (۱۴۹/۱۶۸۳) و (۶۱/۷۲۶) و (۷۵/۸۹۹) و (۶۰/۷۱۵) و دارای تشبیهات عقلی به حسی هستند.

درصد	ساختار معنوی تشبیهات
۳/۰۵۵	حسی به حسی
۰/۱۶	حسی به عقلی
۱/۹۴	عقلی به حسی

۲ - ساختار بیرونی تشبیهات زلالی

این تقسیم بندی ناظر بر شکل و ظاهر و تشبیهات است که متناسب با ارکان تشبیه و چگونگی قرار گرفتن آنها در ذیل تصاویر شعری متفاوت است.

۲-۱ تشبیه مرسل :

تشبیهی است که در آن ادات تشبیه ذکر شده باشد اداتی مانند : چو، ماند، چنان، چون شبی چون درون دوات مذاهب پریشان تر از موی تحریر کاتب (۴۵/۵۱۲)
ز اقتضای طبیعت که ناگزیرم بود شدم چو اشک صراحی به خانه خماری (۳۲/۳۴۸)
کارم چو زلف یار در گره مدعاست خامه علمت نوشت این رقم مدعا (۸/۵۳)
خمی گه گر به سرش خشت آفتاب نهند بریزد از نم او چون گل سر دیوار (۳۲/۳۵۲)
اهل سخن خوش نشستند زآنکه من منسوخ ساز جمله چو دین پیمبرم (۴۱/۴۵۸)

مهر سخنم ز خلعت مدح چون ماه برهنه تن کهن شد (۸۵/۱۰۰۴)

مچنین بیت‌های (۲۹/۳۲۱) و (۳۴/۳۷۵) و (۹۸/۱۱۲۳) و (۸۹/۱۰۴۴) و (۶۲/۷۳۳) و (۱۱۷/۱۳۲۱) و (۱۲۴/۱۳۹۵) و دارای تشبیه مرسل هستند.

۲-۲ تشبیه موکد :

اگر ادات تشبیه حذف شود، تشبیه موکد نامیده میشود با حذف ادات تشبیه، تشبیه با ابهام بیشتری همراه و خواننده را به تأمل وامیدارد و آنچه واضح است «حذف ادات که اندک اندک تشبیه را به استعاره نزدیک میکند عاملی است برای پرتاثیر و نیرو بخشیدن به تشبیه زیرا غرض اصلی از تشبیه عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است یا بهتر بگویم عینیت بخشیدن است به دو چیز که غیریت دارند و چون ادات حذف شود عینیت بصورت محسوستر و دقیقتر نمایانده میشود.» (صورتخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، ۵۶)

ذکر نشدن ادات، سبب دیریاب شدن طرفین تشبیه میشود و برای فهم تشبیه، خواننده به کنکاش می افتد» تشبیه موکد را یکی از عوامل فشردگی و ایجاز در زبان فارسی دانسته‌اند.» (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ص ۱۳۵)

مشاطه طالع هنر را	داماد عروس بی جهازم (۱۵۶/۷۸۰)
هنوز طفل غنیمش نزاده از مادر	که مرگ دایه بود، گاهواره، سینه گور
	(۳۰/۳۳۰)

به پای شمعم، لشکر نویس پروانه	قلم، مه است، قراخان دودمان سخن
	(۱۱۰/۱۲۴۱)

ز قید طالع واژون برون نمی آیم	که یونس من و این نه شکم پرست، نهنگ
	(۱۰۶/۱۲۰۵)

در سرایش که بود گریه مستی، مهتاب	هست یک شیره، سوزن پر، مهر فلک
تا تند پرده نظاره عصمت نظران	(۱۴۴/۱۶۲۹)

عنکبوتی است به دامان درش، چشم ملک	(۱۴۴/۱۶۲۸)
-----------------------------------	--------------

بیت‌های (۱۳۵/۱۵۰۳) و (۱۴۴/۱۶۲۷) و (۱۵۶/۱۷۸۰) و (۱۱۰/۱۲۴۱) و (۸۴/۹۸۲) و (۴۲/۴۶۲) و دارای تشبیهات موکد هستند

۲-۳ تشبیه مفصل :

تشبیهی است که وجه شبه در آن ذکر شده باشد. در این نوع تشبیه از باب مسامحه به جای وجه شبه، وصف مذکور میشود که مستلزم اوست. (انوار البلاغه، مازندرانی، ۲۷۵) در تشبیهات مفصل با ذکر وجه شبه گویا، تاثیرگذاری و جایگاه چندانی برای مخاطب و

مشارکت وی در متن باقی نماند و نیاز به تامل و جستجوی زیادی ندارد. «قدما تشبیه ساده و حسی را بیشتر می‌پسندیده‌اند و متاخران تشبیهات لطیف و نازک را» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۵۸)

ز گرمی ای که در ایمن سرای مدحت بود زبانم از سخت چون زبان شمع گرفت
(۱۲۲/۱۳۷۳)

ز پاس عدلش در چشم، شیر بیشه علوی چرد چو بره آهو بر این النگ ستاره
(۵۸/۶۹۴)

دلی در خون خویش و خنجر ناز چو مرغ نیم بسمل در تپیدن
(۷۱/۸۴۷)

همچنین بیت‌های (۳۱/۳۴۵) و (۳۳/۳۶۶) و (۶۲/۷۳۴) و (۱۰۶/۱۲۰۳) و (۹۸/۱۱۳۱) و (۱۱۶/۱۳۱۲) و..... دارای تشبیهات مفصل هستند.

۲-۴ تشبیه مجمل:

اهمیت یک تشبیه به چگونگی و کیفیت وجه شبه آن مرتبط است. وجه شبه رابطه‌ای است که شاعر یا نویسنده به کشف آن نایل گردیده و اهمیت این کشف، کمتر از کشف یک قانون علمی نیست. در این نوع تشبیه وجه شبه ذکر نمیشود. این نوع تشبیه برای کشف پیوند دو طرف تشبیه مخاطبش را بکوشش و امیدارد و قدرت تخیل او را فعال مینماید زیرا وجه شبه مبین جهان بینی و وسعت تخیل شاعرست و در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند میشویم. (بیان، شمیسا: ص ۹۸) بنابراین تشبیهاتی که وجه شبه آنها ذکر نشود (مجمل) هنری‌تر و خیال‌انگیزتر خواهد بود. شمیسا معتقد است: «از نظر تئوری ادبیات مجمل از مفصل بهتر است و اتفاقاً هر چه در شعر فارسی از آغاز به جلو بیاییم یا از آغاز هر سبکی دورتر شویم از بسامد تشبیهات مفصل کاسته میشود.» (همان)

من آسمانم و سخنم ناوک شهاب کاخ سپهر را چه خلل ز اهرمن رسد
(۱۲۸/۱۴۲۴)

در جگر دارم بهاری همچو دشت کربلا در دهان تیغ زبانی مثل تیغ حیدری
(۶۲/۷۳۳)

همچنین بیت‌های (۱۵۵/۱۷۵۳) و (۱۴۹/۱۶۸۶) و (۱۴۳/۱۶۰۴) و (۱۳۹/۱۵۴۵) و (۱۳۵/۱۵۰۳) و (۲۹/۳۲۳) و..... دارای تشبیهات مجمل هستند.

۲-۵ تشبیه بلیغ:

در این نوع تشبیه تنها مبشه و مشبه به ذکر شده و گاهی نیز بهم اضافه شده اند، در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. در نتیجه خیال انگیزی و ابهام بیشتری

در ذهن خواننده ایجاد میکند، زیرا با حذف ادات و وجه شبه بر همانندی طرفین تشبیه، بیشتر تاکید میشود زیرا وقتی وجه شبه و ادات ذکر میگردد تقارن و دوگانگی میان دو سوی تشبیه محسوستر است. « این نوع تشبیه را از آن جهت بلیغ میگویند که تشبیه از نظر ادب‌اء هر قدر نامعلوم‌تر باشد مبالغه و تاکیدش بیشتر است.» (معنی و بیان، همایی، ص ۱۶۱)

- از بس که نی ام محرم مریم‌کده فکر چون آه به خون غوطه دهم سایه دم را
(۲۵/۲۷۰)
- شه بی سپاه بختم به مدینه فصاحت که گذشته صیت نظمم ز قلمرو معانی
(۱۵۱/۵۱۳)
- دشمنت را از آه گرم و جستن خون جگر نخل ماتم، برگ شاخ ارغوان آورده ام
(۱۴۹/۱۶۹۰)
- گه به قربانگاه عشق از تهمت افسردگان همچو خون سرو، کام ناردان آورده ام
(۱۴۹/۱۶۸۳)
- ز قامت‌م که به سر چنگ غم سنان رقصد خدنگ آهم در مغز استخوان رقصد
(۱۰۲/۱۱۶۴)
- در شفاخانه اندیشه بسی تجربه رفت سر درمان مگشا، ناله پر درد کم است
(۵۰/۶۰۹)
- شب ظلمت آباد مصر جدایی که مشرق بدی یوسف و چاه، مغرب
(۴۶/۵۱۷)
- روز جزا ز قطره ابر شفاعتش در رحمت الهی فردای خود گم
(۱۱۲/۱۲۶۳)
- بیت‌های (۱۴۹/۱۶۸۷) و (۱۴۱/۱۵۶۸) و (۱۳۸/۱۵۲۷) و (۴۷/۵۴۷) و (۶۱/۷۲۶) و (۶/۳۸) و (۹/۶۹) و (۲۵/۲۶۹) و دارای تشبیهات بلیغ هستند.

۶-۲ تشبیه تسویه :

تشبیه تسویه « که آنرا مزدوج نیز گویند و آن اینست که مشبه متعدد و مشبه به یکی باشد یعنی چند چیز را به یک چیز مانند کنند.» (معانی و بیان، همایی : ص ۱۵۵)

علی عالی اعلی که بر در امرش نشسته اند قضا و قدر، چو یک مامور
(۳۰/۳۲۵)

اگر ز شمه دیوار او نقاب کشند شود ز اشک، مه و مهر، آب انبار
(۳۵:۳۸۸)

۲-۷ تشبیه جمع:

تشبیه جمع برخلاف تشبیه تسویه است یعنی برای چند مشبه به، یک مشبه می‌آورند. دام مرغان بهشت است و کمند غفران زلف آهی که به رخسار جگر خم به خم است (۵۰:۶۱۱)

۲-۸ تشبیه مفروق

تشبیهی که طرفین آن متعدد است ولی هر مشبهی با مشبه به خود همراه است. هر آن شتر که در این حجره مست عشق تو نیست شتر شتر چو دیو لعین است و حجره، طوق لعن (۵۶:۶۷۱) شود ز سایه گرزش درون حجره شتر شتر چو سوده شنجرف و حجره چون هاون (۵۶:۶۶۶)

درصد	ساختار بیرونی تشبیهات
۳/۳۸	مرسل
۰/۸۸	موکد
۱/۵	مفصل
۰/۸۸	مجمل
۲/۵	بلیغ
۰/۱۱	تسویه
۰/۰۵	مفروق
۰/۰۵	جمع

۳- انواع تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن

« در گذر تاریخ شاعرانی که در پی بروز خلاقیت و نوآوری بوده‌اند در پی چاره جویی بر می‌آمدند برای نمونه تشبیه قد به سرو، تشبیهی قریب و مبتذل و عادی میشده است اما شاعری که قد را به سرو سیمینی که بر سرش ماهی منور است تشبیه کرده، نوعی نوآوری در کلام پدید آورده است.» (بررسی تشبیه تفصیل در شعر عماد فقیه، طالبیان: ص ۸۲)

۳-۱ مفرد به مفرد

کارم چون زلف یار در گره مدعاست
خامه علمت نوشت این رقم مدعا (۸/۵۳)

گوهر کم کاسه‌اش در کمر کان شکن
بحر که آمد برت کاسه به کف چون گدا (۷/۴۶)

مورم به راه نعت تو، ای جوهر سخن
پاها چون سوزن و دم تیغ است معبرم (۴۲/۴۶۲)

همچنین بیت‌های (۱۴۳/۱۶۰۴) و (۱۳۸/۱۵۲۷) و (۱۱۶/۱۳۱۶) و (۱۱۰/۱۲۳۵) و (۴۷/۵۴۷) و.... دارای تشبیهات مفرد به مفرد هستند.

۲-۳ مفرد به مقید: در مورد واژه مقید باید گفت «که در تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد.» (بیان و معانی، شمیسا:ص ۴۰)

آن چشم چون پیاله پر می به گردش آر آن حلق چون صراحی را بر غلغلی رسان
(۱۵۳:۱۷۲۹)

مرا به سوختن د شمنت در آب حسام جگر چو خاک دل لاله زار می‌خندند
(۹۸:۱۱۳۱)

در چشم زخم سراپای خود گمم چون چشم کشتگان به تماشای خود گمم
(۱۱۱:۱۲۵۴)

بیت‌های (۳۰/۳۳۰) و (۳۲/۳۳۳) و (۳۸/۴۱۹) و (۴۱/۴۵۸) و.... دارای تشبیهات مفرد به مقید هستند.

۳-۳ مقید به مفرد

دهان گشاده که پستان ناوکش بمکد درون سینه، دل شیرشزه چون سوفار
(۳۴:۳۷۵)

تا تند پرده نظاره عصمت نظران عنکبوتی است به دامن درش، چشم ملک
(۱۴۴:۱۶۲۹)

همچنین بیت‌های (۹/۷۲) و (۸۴/۹۸۲) و (۹۸/۱۱۲۷) و.... دارای تشبیهات مقید به مفرد هستند.

۳-۴ مقید به مقید

در تفاوت تشبیه مقید و مرکب باید گفت که «جمله وارهای تشبیهی از اقسام تشبیهات مرکبند و از گروه‌های تشبیهی آنهایی که از مضاف و مضاف الیه و صفت و موصوف تشکیل میشوند جز تشبیهات مقید و آنها که با «و» عطف و «میان» و «بهم» بیایند جز تشبیهات مرکبند.» (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ص ۴۴۵)

گلزار وجودم ز گل داغ ندامت چون کاسه افلاک سراپای می و جوش است
(۱۳۳:۱۴۸۶)

در آستین نتوان بیش از این چراغ شکفت چو شاخ گل شده داغم به دست بازاری
(۱۴۶:۱۶۵۰)

ز گرمی‌ای که در ایمن سرای مدحت بود زبانم از سخنت چون زبان شمع گرفت
(۱۲۲:۱۳۷۳)

بیت‌های (۳۳/۳۶۶) و (۲۷/۲۸۷) و (۱۲۷/۱۴۱۲) و (۱۲۷/۱۴۱۰) و (۱۲۴/۱۳۹۵) و (۵۸/۶۹۴) و... دارای تشبیهات مقید به مقید هستند.

۵-۳ تشبیه مرکب :

تشبیه مرکب یکی از گونه‌های پر کاربرد تشبیه است که در آن شاعر در صدد تشریح بلاغی مشابه است، خواه هدف او تصویر باشد و خواه تمثیل. در خصوص انتزاع وجه شبه متعدد که مایه اصلی تشبیه است. جرجانی معتقد است که گاه اموری با هم تالیف میشوند که هر کدام خاصیت یا خصوصیتی از مشبه را بتصویر میکشند، این امور را نباید تشبیه‌های جداگانه دانست، بلکه باید هیأت تالیفی آنها را بمنزله مشبه برای تشبیه مرکب فرض کرد. (اسرارالبلاغه : جرجانی : ۵۷)

تشبیه مرکب یکی از پیچیده‌ترین و زیباترین انواع تشبیه است در تشبیه مرکب، مقصود از مرکب لزوماً یک جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست بلکه از یک هیأت انضمامی است و بقول قدما، مرکب، هیأت منتزع از چند چیز است به زبان امروز، تابلو تصویری است ذهنی، که چند چیز در بوجود آمدن آن نقش داشته باشد. (بیان، شمیسا: ص ۷۱) استفاده یک شاعر از تشبیه مرکب دلیلی بر مهارت و تسلط وی در فنون ادبی دارد.

نوشته باد به پیشانی ام خط مدحت
چو آفتاب برین قصر زرنگارین طاق
(۱۵۱/۷۱۱)

غرض ز سینه ماهی است صبح جرعه فشان
که همچو مست ز دنبال میکشد دستار
(۳۲:۳۳۳)

درصد	تشبیه به اعتبار مفرد، مرکب، مقید
۲/۳۳	مفرد به مفرد
۱/۶۱	مفرد به مقید
۰/۷۲	مقید به مفرد
۰/۸۸	مقید به مقید
۰/۱۶۶	مرکب

۴ - عناصر و مواد تشبیه در قصاید زلالی :

زالالی در قصاید خود موضوعات و عناصر متعددی را مورد توجه قرار داده است در این اشعار انسان و متعلقات وی، معنویات و عناصر انتزاعی و ذهنی، عناصر طبیعی، اشیا و ابزار آلات و جانوران و ... از جمله عناصر تشبیه را تشکیل میدهند که در زیر به تحلیل آنها پرداخته میشود:

۴-۱ انسان و متعلقات وی

بر اساس آمارهای بدست آمده از قصاید زلالی خوانساری، بیشترین موضوعات مشابه را

انسان و متعلقات وی تشکیل می‌دهد.

کارم چو زلف یار در گره مدعاست / خامه علمت نوشت این رقم مدعا (۸/۵۳)

۴-۲ عناصر انتزاعی

این بخش شامل حالات درونی انسان و متعلقات معنوی او، و در واقع امور غیبی و ناملموس مانند عشق، غم، لطف و... میشود که به نوعی تشبیهات عقلی به حسی شاعر را در برمیگیرد بیانگر این نکته است که شاعر برای درک بهتر مشبه معقول، آن را به امری محسوس تشبیه میکند این نوع تشبیه را میتوان یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های هنری تشبیه شمرد. شاعران در ادوار مختلف ادب فارسی، به کاربرد مفاهیم انتزاعی در شعر خود روی آوردند تا بر دایره مضامین شعرشان بیفزایند.

در آستین نتوان بیش از این چراغ شکفت / چو شاخ گل شده داغم به دست بازاری (۱۴۶/۱۶۵۰)

خاطرم صبحدم است و سخنم مهر بلند / چون شکوفه ز شجر ریخت ثمر میزاید (۷۵/۸۸۹)

۴-۳ حیوانات:

در تصویر سازیهای زلالی، نام حیوانات زیاد به چشم می‌خورد اما این حیوانات همواره مشبه به مطلق نیکی یا شرارت نیستند گاه با توجه به موقعیتش از نام حیوانات برای وصف نیک و گاه برای نشان دادن بدیها استفاده میکند.

دلی در خون خویش و خنجر ناز / چو مرغ نیم بسمل در تپیدن
به پای، زلفت مانند مار لرزد و افتد / به هر شکنجش صد روزگار لرزد و افتد (۱۲۴/۱۳۹۱)

پیل بر دوش چون ملخ که کند / پنج مزروع ساکنان دیار (۱۴۲/۱۵۸۲)

۴-۴ طبیعت :

لبیم به شاخه درک نوبران سخن / چو غنچه در دل خون گشته چمن گره است (۱۱۰/۱۲۳۵)

به ره چون برگ گل، گوش خلاق / پی شـعرم روان تا بزم شـعرا (۶۹/۸۲۰)

۴-۵ اشیا و ابزار آلات :

زلالی آنچه که با حواس خود مشاهده یا لمس میکند به عنوان مواد تصاویر استفاده میکند بنابراین همه اسباب زندگی مانند چراغ، هاون، تیغ و... قابلند تا بعنوان مواد تصاویر در تشبیهات بکار روند.

زبانم از پی قتل سخن ندان سخن دان / چو تیغ یک دهن بوتراب، گرید و خندید (۱۲۷/۱۴۱۰)

شود ز سایه گرزش، درون حجره شتر
شتر چو سوده شنجرف و حجره چون هاون
(۵۵/۶۶۶)

در جگر دارم بهاری همچو دشت کربلا
در دهان تیغ زبانی مثل تیغ حیدری
(۶۲/۷۳۳)

۵ - وجه شبه در شعر شاعر :

مهمترین بحث در تشبیه، وجه شبه است. وجه شبه بیش از هر رکن دیگر تشبیه، جهان خیالی شاعر را توصیف میکند. وجه شبه ادعایی ایجاد شده بین مشبه و مشبه به است که بطور تحقیقی یا تخیلی در آن اشتراک دارند هنرمند مدعی شباهت بین دو پدیده یا چیزی میشود حال اگر این ادعا از مشبه به نو اخذ شود تشبیه را مطلوبتر و زیباتر میکند و سبب فعال شدن ذهن مخاطب در روند فهم شعر میشود وجه شبه هم میتواند از مشبه اخذ شود و هم از مشبه به، حسی، عقلی و انتزاعی بودن تشبیهات نیز در وجه شبه موثر باشد. «وجه شبه مبین جهان بینی و وسعت تخیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند میشویم» (بیان، شمیسا، ص ۹۸)

وقتی شاعر از وجه شبه های تکراری و تقلیدی استفاده میکند نشان از خالی بودن شعر از برجستگی ادبی و هنری است «کشف وجه شبه به بینش و دریافت گوینده بستگی دارد و شاعر ممکن است رنگ و حالت و حرکت و شکل و اثر حسی یا عقلی همانند بین دو چیز را به تنهایی پیش بکشد یا مجموعه ای از حالات و حرکات را بعنوان صفت مشترک (وجه شبه) در نظر داشته باشد.» (بیان در شعر فارسی، ثروتیان، ص ۴۴)

زالالی به مشبه های حسی توجه بیشتری داشته و وجه شبه را عمدتاً از امور محسوس گرفته است از طرف دیگر حضور یا عدم حضور وجه شبه در تشبیهات این شاعر نیز قابل بررسی است. ذکر وجه شبه از مخیل بودن تشبیه می کاهد و فرصت خیال پردازی و کشف رابطه بین طرفین تشبیه را از مخاطب میگیرد. بنابراین تشبیهاتی که وجه شبه آنها ذکر نشود (مجمل) هنری تر و خیال انگیزتر خواهد بود. شمیسا معتقد است «از نظر تئوری ادبیات، تشبیه مجمل از مفصل بهتر است و اتفاقاً هر چه در شعر فارسی از آغاز به جلو بیاییم یا از آغاز هر سبکی دورتر شویم از بسامد تشبیهات مفصل کاسته میشود.» (بیان، شمیسا : ۶۰). تشبیهات مرسل و بلیغ در دیوان این شاعر جای تشبیهات مفصل و مجمل را گرفته است. «نکته دیگری نیز در تشبیه قابل ملاحظه است و آن اینکه مشبه به و وجه شبه اغلب بیان کننده محیط زندگی و دریافت های ذهنی شاعر است.» (معانی و بیان، علوی مقدم و اشرف زاده : ۱۱۶) زالالی وجه شبه خود را بیشتر از مسایل مادی و احوال انسانی اخذ کرده است.

نتایج کلی بدست آمده از بررسی قصاید زلالی که عددهای موجود در جدول مقدار موجود هر تشبیه در دیوان است.



نتیجه :

یکی از بهترین دستاوردهای تحلیل‌های بلاغی، پی بردن بویژگیهای سبکی و فکری شاعر است. از طریق بسامد گیری آماری میتوان به گزینشهای سبکی شاعر دست یافت و این مطلب، سبب شناخت بهتر و دقیقتر ظرفیت‌های کلامی شاعر میشود. تشبیه یکی از مهمترین عوامل مخیل شدن کلام و از اصول آفرینش شعر است این امر در شعر زلالی جایگاه ویژه‌ای دارد و برای تفهیم اندیشه‌های خود به زیبایی از انواع تشبیه در شعر خود بهره برده است. از نظر ادات بشتین بسامد مربوط به چو - چون - و مانند میباشد. از نظر تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین بیشترین کاربرد حسی به حسی و تشبیه معقول به معقول دارای کمترین بسامد است.

بررسی تشبیه از نظر موضوع مشبه بیانگر این بود که انسان و اوصاف انسانی و همچنین در بحث مشبه به بیشترین بسامد مربوط به طبیعت و ابزار و اشیا و حیوانات، زیرا طبیعت خصوصیات منحصر بفردی دارد که گونه‌های دیگر تصویرسازی از آن بی بهره‌اند. اولین ویژگی، حسی بودن آن است تقریباً تمام امور طبیعی با حواس پنجگانه قابل لمس هستند. کمترین بسامد مربوط به مفاهیم مجرد و انتزاعی است که از آنها با نام عناصر معنوی یاد میشود.

از نظر ساختار شکلی تشبیه نیز، شاعر از انواع مختلف ساختار تشبیه، در شعر خود بهره جسته است و از این میان، گرایش وی به تشبیه مرسل و مفصل و بلیغ بیشتر بوده است.

بعد از بررسی و تحلیل بحث تشبیه در قصاید این شاعر، معلوم می‌گردد که زلالی تشبیه ساز و تصویرگر بوده است این پژوهش همچنین ثابت می‌کند شاعر به تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی، گرایش بیشتری داشته است. وی با بکارگیری تشبیه بلیغ و مرسل بسوی خیال انگیزی و پیچیده کردن زبان شعر حرکت کرده است و توانسته است فن تشبیه را در خدمت مضامین خود بکار گیرد و با دمیدن روح زندگی به فضای شعرش و به تبع آن ورود عناصر وهمی، جان تازه و وسعت بی اندازه‌ای به حوزه تشبیه اشعارش بخشیده و البته این فضا آنقدر بی انتها و اعجاب انگیز است که جای خالی برای پرداختن به تشبیهات معکوس، تفضیلی، مشروط نگذاشته است و تنوع انواع صنایع بلاغی بکار رفته در دیوان اشعار وی نشان از توانایی شاعر در ارائه نمونه های زیبا و ماندگار ادبی است و نشانگر وسعت قلمرو و اطلاع و معرفت شاعر در زمینه های مختلف است.

منابع :

- اسرار البلاغه، جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴) ترجمه جلیل تجلیل: انتشارات دانشگاه تهران
- انوار البلاغه، مازندرانی، محمد بن هادی محمد صالح، ۱۳۷۶، بکوشش محمدعلی غلام نژاد، تهران، قبله
- بررسی تشبیه تفصیل در شعر عماد فقیه، طالبیان، یحیی، ۱۳۸۴، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم بهار ۱۳۸۴
- بلاغت تصویر، فتوحی رود معجنی، محمود ۱۳۹۲ تهران، سخن
- بیان، شمیسا، سیروس ۱۳۷۱ تهران، فردوسی
- بیان در شعر فارسی، ثروتیان، بهروز، ۱۳۶۹، تهران، انتشارات برگ،
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله ۱۳۶۴، چاپ اول جلد پنجم، تهران: انتشارات فردوسی
- تاریخ ادبیات ایران، رپیکا، یان، ۱۳۸۳، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، سخن
- ترجمان البلاغه، رادویانی، محمد بن عمر، تصحیح احمد آتش، ۱۳۶۲، تهران، اساطیر
- تذکره شعرای خوانسار، بخشی خوانساری، یوسف، ۱۳۳۶، موسسه مطبوعاتی میرپور
- حکایت شعر، اسکلتن، رابین، ترجمه، مهرانگیز اوحدی، ۱۳۷۵، تهران: میترا
- درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، خسرو، ۱۳۶۳، تهران، امیرکبیر
- ریاض الشعراء، واله داغستانی، علیقلی بن محمد علی، ۱۳۸۴ بکوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر
- رمز و داستانهای رمزی، پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵) تهران، علمی و فرهنگی
- زندگانی شاه عباس اول فلسفی، نصرالله (بی تا) چاپ دوم ج ۲. تهران، انتشارات علمی

- سفر در مه، پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۱، تهران، نگاه
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸) تهران: آگاه
- عرفات العاشقین، اوحدی بلیانی، تقی‌الدین، نسخه عکس شماره (۵۳۲۴)
- فن شعر، ارسطو، ۱۳۶۹، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر
- کلیات زلالی خوانساری، تصحیح و تحقیق، سعید شفیعیون، ۱۳۸۵، تهران
- کلیات زیباشناسی، کروچه، بند تو (۱۳۴۴) ترجمه فواد رحمانی تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- معانی و بیان، علوی مقدم و اشرف زاده (۱۳۷۶) چاپ اول، تهران، سمت
- معانی و بیان، همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۳) مجید موسسه نشر هما
- نگاهی تحلیلی به علم بیان، آقا حسینی، حسین و همکاران ۱۳۹۴، تهران: سمت